

## گزارش شب همبستگی با کارگران زندانی ایران و بویژه کارگران زندانی شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه - نیویورک جون ۲۰۰۸

مراسم شب همبستگی با کارگران زندانی ایران در محل برشت فروم نیویورک برگزار گردید. بهایواری دسی دبیر کل اتحاد تاکسیرانان نیویورک و حوری صهبا از جانب اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران سخنرانان جلسه بودند و میمی روزنبرگ اداره جلسه را بر عهده داشت.

در ابتدا خانم میمی روزنبرگ به مدعوین خوشامد گفت و نکاتی را در اهمیت برگزاری چنین مجامعی تاکید نمود. سپس برنامه را اعلام و سخنرانان را معرفی نمود. متأسفانه بهایواری دسی بعلت فوت پدر مجبور به مسافرت به هند گردیده بود تا در مراسم تشییع شرکت نماید. جلسه مراتب تأسف عمیق خود را از دریافت این خبر ناگوار اظهار نموده و با ایشان اعلام همدردی نمود. پس از آن برایان جونز اشعاری از احمد شاملو را به انگلیسی دکلمه نمود. سپس حوری صهبا در باره " بازسازی همبستگی بین المللی کارگری " سخن گفت. متن سخنان نامبرده ضمیمه میباشد.

سپس برایان جونز اشعاری از ناظم حکمت را قرائت کرد که مورد توجه حاضرین قرار گرفت. در بخش سوال و جواب که زمانی بالنسبه طولانی را در بر گرفت مسائل بسیاری از طرف شرکت کنندگان مطرح و مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

بخش پایانی جلسه اشعاری از دنیس پروتوس را در بر میگرفت که با استقبال حاضرین مواجه شد.

این برنامه توسط کمیته حمایت از رانندگان اتوبوس تهران ترتیب یافته بود و از جانب لیبر نوت، کارزار صلح و دموکراسی و اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران حمایت شده بود.

### ترجمه متن سخنرانی حوری صهبا

#### بازسازی همبستگی کارگری: گام به گام

سال ۱۹۸۰ در يك کارخانه ریسندگی و بافندگی کار میکردم که ۳۵۰ کارگر داشت. من در قسمت ریسندگی و بوبین ها بودم. در این قسمت زنان و بچه های بین ۱۲ تا ۱۷ ساله کار میکردند. کارگران در سه شیفت هشت ساعته کار میکردند و البته زنان و بچه ها از شیفت شب معاف بودند.

بعد از انقلاب ۱۹۷۹ ما يك شورای کارگری انتخاب کردیم که پنج نفر عضو داشت. اینها پیشرو ترین محبوبترین و رزمنده ترین کارگران کارخانه بودند. تا پیش از آن کارخانه يك نماینده کارگر داشت که از طرف صاحب کارخانه منصوب شده بود و همه کاری میکرد مگر نمایندگی منافع کارگران! اولین قدمی که شورای کارگری برداشت بازپرداخت عیدی پاداش و سود ویژه معوقه بود. بعد از آن مجمع عمومی را فرا خواندند که تقریباً ماهانه یکبار منظمآ تشکیل میشد و در نهایت بالا ترین ارگان تصمیم گیری بشمار میرفت. در پایان شیفت کاری یکبار معمولاً پانزده دقیقه زودتر کار را تعطیل میکردیم تا بتوانیم با شیفت بعدی گرد هم بیاییم و مسایل مورد علاقه مان را صحبت کنیم. محل گردهمایی انبار پنبه بود و از عدل های پنبه بعنوان تریبون استفاده میکردیم. سخنران بالای یکی از آنها میپرید و حرف میزد!

در طول شش ماه بعدی توانستیم وقت ناهار و يك وعده غذای گرم لباس کار تصفیه هوای کارخانه که همیشه مملو از غبار پنبه بود و بسیاری چیز های دیگر را بگیریم. آگاهی طبقاتی اندک اندک گسترش مییافت.

وقتی جنگ ایران و عراق شروع شد این دوران طلایی بسر رسید! تولید تولید و تولید برای جبهه ها به "تنها مساله مطرح" تبدیل گردید. بزودی سه نفر از اعضای شورای کارگری به بهانه توطئه علیه تولید اخراج شدند چرا که فراخوان مجمع عمومی را داده بودند که در شرایط عادی يك رسم متداول بود و هیچ مبادینتی هم با تولید نداشت.

هر اعتراضی "خدمت به دشمن" و "ضد انقلاب اسلامی" خوانده شد و بشدت سرکوب گردید. دستاورد های ما یکی یکی باز پس گرفته شدند. جنبش کارگران گردن زده شد و سازمانهایشان داغان گردید و مبارزه طبقاتی مساله مرگ و زندگی گشت. تصویر بزرگتر در سطح کشوری نیز کمابیش همین بود. جنگ قسمت اعظم دستاوردهای کارگران را منهدم نمود. شوراهای کارگری سندیکاها و اتحادیه ها با خشونت تمام مورد حمله قرار گرفتند و در طی دو سال بعدی موج عظیمی از دستگیری زندان تعقیب و محاکمه فعالین اتحادیه ها و کارگران رزمنده و پیشرو را جارو کرد.

نئولیبرالیسم "برنامه بازسازی دولت" را در دستور کار گذاشت تا قدرت و هژمونی خود را تثبیت نماید. خصوصی سازی تعدیل نیرو و اخراجهای وسیع ناامنی شغلی و بطور کلی تغییر رده بندیهای درونی طبقه کارگر مشخصات بارز این سیاست نئولیبرالی در ایران بود. کارگران نیمه وقت و کارگران مهاجر قریب به دو میلیون و نیم مهاجر افغانستانی( به ارتش ذخیره کار افزوده شدند. در مورد کشور های پیشرفته صنعتی مثل کانادا، امریکا، کشورهای اروپایی و غیره نیز ما شاهد کارکردی مشابه بودیم. باضافه چند خصوصیت دیگر از جمله انتقال کارخانه ها و بخشهای خدماتی به منابع کارآرزان، ساعات طولانی تر کار، الگو های جدید مصرف و افزایش صعودی وام ها که در درازمدت به همان فلاکت منجر خواهد شد.

با اینوجود، کارگران ایران هنوز هم یکی از رزمنده ترین بخشهای طبقه کارگر جهانی میباشند. گریز دیگری هم نیست. بر اساس گزارشی که اخیراً در مورد تضييع حقوق کارگران- اجتماعی و اقتصادی – منتشر شده در شش ماهه نخست سال ۲۰۰۶ تعداد رسماً اعلام شده بیکارسازیهها به بیش از ۱۲۰۰۰۰ نفر رسید. این بر طبق آمار منتشره توسط وزارت کار میباشد. ۲۰۵۴۹ نفر از کارگران از ۹۱ کارخانه اخراج شدند و ۲۶۰۰۰ کارگر از ۱۰۸ کارخانه و کارگاه به مدتهای

طولانی دستمزد های خود را دریافت نکرده اند. آمار واقعی همواره بسیار بیش از اینهاست و بالغ بر چند صد هزار نفر بالغ میگردد.

تاریخ کارگران شرکت ملی نفت ایران ارگان هدایت کننده و رهبری جنبش کارگری ایران بوده اند. در نتیجه سیاستهای سرمایه داری جهانی بخش عمده کارگران شرکت ملی نفت ایران به کارگران قراردادی شرکتهای مقاطعه کار تحول یافته اند. این شرکتها کارگران را برای ۸۹ روز استخدام میکنند و بعد برای یکروز ایشان را اخراج کرده سپس قرارداد را برای ۸۹ روز دیگر تمدید مینمایند. امروزه بخش عظیمی از کارگران در ایران کارگران ۸۹ روزه و یا کارگران موقت قراردادی هستند. نتیجتاً کارگران خدمات عمومی در حال حاضر هماهنگ ترین بخش طبقه کارگر بشمار میروند. هفده هزار کارگر شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه- شرکت واحد- در سال ۲۰۰۴ سندیکای مستقل خود را تشکیل دادند و بلافاصله مورد تهاجم و سرکوب واقع شدند. رهبران سندیکا مکرراً دستگیر، مضروب و زندانی شده اند و با اینهمه مبارزاتشان را تا کنون ادامه داده اند. منصور اصائلو از جولای ۲۰۰۷ در زندان بسر میبرد ولی وی تنها کارگر زندانی نیست. محمود صالحی به جرم سازماندهی کارگران به مدت یکسال در زندان بسر برد. طه آزادی جوانمیر مرادی از عسلویه شیث امانی سعید حضرتی و بسیاری دیگر هنوز در زندانها هستند. پرونده های جلیل احمدی، فریدون نیکوفرد، احمد نجاتی، قربان علیپور، محمد حیدری مهر و ابوالفضل عابدینی از نیشکر هفت تپه هنوز باز است و اتهامات علیه کارگران لاستیک سازی البرز شاهو سندیج و غیره هنوز در جریانند.

لئو پانیچ جایی گفته است سیستم سرمایه داری جهانی به بالاترین درجه متشکل و مجهز است. نیاز هست که همبستگی بین المللی توانمندی بازسازی شود. لازم است که تفاوتهای درونی ما تبدیل به نقاط قدرت آن شود (نقل به معنی). برای نیل بدین مقصود بویژه در آمریکای شمالی نیاز هست که ساختار بشدت بوروکراتیک و بشدت متمرکز اتحادیه های موجود و کارکرد آنها تغییر داده شود. مدل تصمیم گیری از بالا به پایین بایستی به مدل از پایین به بالا متحول گردد.

بعنوان مثال کمیته همبستگی بین المللی CUPE انترایو در کانادا هم اکنون همین الگو را دنبال میکند الگوی WORKER TO WORKER. براساس این مدل درهای کمیته به روی گروههای فعالین سازمانهای توده ای کمپین ها و غیره باز شده است. همبستگی کارگری در این مدل دیگر محدود به نوشتن نامه های حمایتی ویا اندکی کمک مالی نیست بلکه و اساساً متکی بر سازمان دادن محافل سوسیالیستی کنفرانسها و کمیته هائیسست که بشدت فراگیر بوده و اعضای اتحادیه ها را برای شرکت در جنبشهای عملاً موجود تظاهراتها پیکت ها و غیره آموزش میدهد و ترغیب مینماید. این مدل به توده ها میآموزد که رابطه تنگاتنگی بین مبارزات کارگری محلی کشوری و بین المللی وجود دارد. و سرانجام این مدل تلاش میکند که این آگاهی طبقاتی و جنبش طبقاتی را زنده و سر پا نگهدارد.

مسلم است که نئو لیبرالیسم نیز برنامه خود را دارد و راه حلهای خود را از طریق تشکلاتی از قبیل "مرکز آمریکائی همبستگی بین المللی کارگری" به مرحله عمل در میآورند. بهمین دلیل باید اذعان داشت که در حال حاضر اندیشه های نئو لیبرالیستی راه خود را در تشکلهای کارگری ایران نیز باز کرده است و بعضاً شاهد عملکرد این گرایش لیبرالی هستیم که بایستی به لحاظ تئوریک و عملی مورد نقد دائمی قرارگیرد. ما اعتقاد داریم که هر تلاشی برای ایجاد همبستگی کارگری لزوماً و قطعاً میبایست از دولتها و تشکلات وابسته بدانها مستقل باشد.

اینجا میخواهم یک نکته دیگر را هم اشاره کنم. مخالفت با سیاست و عملکرد نئولیبرالیستی رژیم جمهوری اسلامی ایران نبایست به معنای موافقت با دخالت در ایران متباین گردد. ما مخالف هر نوع دخالت نظامی و غیرنظامی به هر شکل و اندازه در ایران از توسط آمریکا و متحدینش

میباشیم. تجربه هشت سال جنگ با عراق که مبارزات کارگران ایران را سالها به عقب راند و دستاوردهای آنان را در هم کوبید هنوز فراموش نشده است. همان تجربه ما را بس! سرانجام در دنیائی که وقایع و شرایط به سرعت متحول میگردد، جریان آرام و تدریجی ساختمان همبستگی انترناسیونالیستی کارگری کفایت نمیکند... همگان شاهدیم که قیمت مواد غذایی به چه سرعتی افزوده میشود، گرسنگی و قحط زدگی توده های وسیع در سراسر جهان بشدت گسترش مییابد، نرخ تورم مهار گسیخته است، در این میان تنها شرکتها و بانکها و موسسات جهانی سود های کلان میسازند.

با بحران و رکود اقتصادی که در پیش رو داریم باز سازی يك همبستگی انترناسیونالیستی کارگری ضروری است. هزاران کارگر لاستیک سازی البرز کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران شرکت اتوبوسرانی واحد تهران همچنان در صحنه مبارزه اند و فعالین کارگری در زندانها همچنان به مقاومت و مبارزه خود ادامه میدهند. آنها به حمایت و پشتیبانی ما نیاز دارند! کارگران زندانی میبایست فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. لازمه این امر بازسازی يك همبستگی انترناسیونالیستی مبارز است: خشت با خشت باید آن را بنا نهاد.